



## مفاهیم مربوط به انگیزش، تشویق و تنبیه

**۱۱ انگیزش:** به نیروی ایجادکننده، نگه‌دارنده و هدایت‌کننده‌ی رفتار گفته می‌شود. انگیزش را عامل بنیادی مولد رفتار به حساب می‌آورند.

معلم‌ان به‌طور معمول، دانش‌آموزانی را که به درس علاقه دارند، دارای انگیزش سطح بالا و آن‌هایی را که به درس بی‌علاقه یا کم علاقه‌اند، دارای انگیزش سطح پایین می‌دانند. اما موضوع انگیزش منحصر به درس نیست و شامل همه‌ی ابعاد زندگی می‌شود.

**۱۲ مشوق (محرک، انگیزانه):** شیء یا رویدادی است که رفتار را برمی‌انگیزد یا باز می‌دارد. معلمانی که به کمک نمره، جایزه، تشویق کلامی و رفتارهای محبت‌آمیز دانش‌آموزان را به درس خواندن و رفتارهای پسندیده وامی‌دارند (فعالیت‌های تشویقی)، و با سرزنش، توبیخ، ترشروی و بی‌مهری آنان را از تنبلی و رفتارهای ناپسند باز می‌دارند (فعالیت‌های تنبیهی)، در واقع از مشوق‌ها استفاده می‌کنند.

**۱۳ انگیزش بیرونی:** انگیزشی است که به وسیله‌ی عوامل خارج از فرد و خارج از کاری که انجام می‌گیرد، برانگیخته می‌شود؛ مانند **پاداش** و **تنبیه**. معلم به دانش‌آموزی که تکالیفش را به خوبی انجام داده است، لبخند می‌زند. دانش‌آموزی که رتبه‌ی اول را کسب کرده است جایزه می‌گیرد. دانش‌آموزی که در انجام فعالیت‌های موفق نبوده است، توبیخ می‌شود. همه‌ی این‌ها مثال‌هایی از انگیزش بیرونی هستند.

**۱۴ انگیزش درونی:** منشأ این نوع انگیزش در کاری است که انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، انگیزش درونی به کاری که انجام می‌گیرد، وابسته است؛ مانند اشتیاق فرد برای انجام آن کار.

وقتی معلم به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد که مسئله‌ی ریاضی را به روش اکتشافی حل کنند، اگر آنان ارتباط بین مطالب جدید با مطالب قبلی را دریابند یا از درس ارائه شده، کاربردهایی برای زندگی خود بیابند، از درک موضوع لذت می‌برند. این‌گونه موارد از نمونه‌های

به نوع آن توجه کرد؟ با رواج انواع اجناس ارزان قیمت که به‌طور معمول از کیفیت پایینی نیز برخوردارند، مدارس به سمت خرید این کالاها روی آورده‌اند. گاهی در مدارس اجناسی به عنوان جایزه خریداری می‌شوند که کاربرد ندارند یا حداقل برای عده‌ای از دانش‌آموزان، داشتن و نداشتن آن مهم نیست.

**۹** قضاوت در مورد انگیزش دیگران همیشه کار ساده‌ای نیست. گاهی شناسایی وضعیت انگیزشی افراد از روی شاخص‌های ظاهری، به نتایج نادرستی می‌انجامد. بسیار دیده شده است که دانش‌آموزی از انگیزش تحصیلی مطلوبی برخوردار نیست، ولی در زمینه‌های فردی و مورد علاقه‌ی خود، انگیزش سطح بالایی دارد، ممکن است دانش‌آموزی هم در درس خواندن انگیزه داشته باشد، اما به سایر زمینه‌ها علاقه‌ای نشان ندهد. قضاوت درباره‌ی انگیزش، در موارد زیادی مستلزم تحلیل‌های دقیق (نشانه‌ی) است و بر همین اساس هم باید برنامه‌های عملیاتی تشویق و تنبیه را در مورد این دانش‌آموز خاص سامان داد.

**۱۰** انگیزش را نمی‌توان به مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها محدود کرد. انگیزش تحمیلی و اجباری نیست و به کار بردن تعابیری چون: «باید در کودکان انگیزش به وجود آورد» و یا «کودکان را باید وادار کرد»، جای تأمل دارد. شاید این گونه تعابیر، مصداق‌هایی از ساده‌انگاری در مورد انگیزش باشند.

انگیزش برخاسته از نیازهای درونی انسان است. حتی اگر جریان انگیزشی از بیرون وارد عمل شود، زمانی مؤثر خواهد بود که با نیازهای درونی سازگار باشد. انگیزش تحمیلی و اجباری، تأثیری محدود و گذرا دارد. بسیاری از برنامه‌های تشویق و تنبیه جاری در برخی مدارس، از همین نوع نگاه نشئت می‌گیرد. ✓



انگیزش درونی هستند.

**۱۵) تقویت مثبت:** فرایندی است که در آن، ارائه‌ی تقویت‌کننده‌ی مثبت بعد از رفتار، به نیرومند شدن و تکرار آن رفتار می‌انجامد.

معلم کلاس اول دبستان تصمیم می‌گیرد، هر وقت دانش‌آموزان هنگام ورود به کلاس به او سلام کنند، با لبخندزدن به هنگام جواب سلام، رفتار سلام دادن آن‌ها را تقویت کند. در این مثال، معلم به تقویت‌کننده‌ی مثبت توجه دارد. نتیجه‌ی این فرایند، تثبیت رفتار سلام کردن در دانش‌آموزان خواهد بود.

**۱۶) تقویت منفی:** فرایندی است که در آن، حذف تقویت‌کننده‌ی منفی بعد از رفتار، به نیرومند شدن و تکرار آن رفتار می‌انجامد.

معلم، دانش‌آموز را با ترساندن از نمره‌ی کم، به درس خواندن وامی‌دارد. در این مثال نمره‌ی کم، تقویت‌کننده‌ی منفی است. دانش‌آموز به خاطر روبه‌رو نشدن با این محرک (حذف آن)، بهتر درس می‌خواند و نتیجه‌ی این فرایند، تقویت رفتار درس خواندن در دانش‌آموز است.

**۱۷) پاداش:** پاداش را می‌توان روش تقویت مثبت دانست، اما بین این دو تفاوت اندکی وجود دارد، در پاداش دادن به افراد، هدف اصلی قدردانی و سپاس‌گزاری از اعمال گذشته‌ی آن‌هاست. اگرچه پاداش معمولاً به تکرار رفتار می‌انجامد، اما هدف از پاداش دادن، الزاماً تکرار آن رفتار در آینده نیست.

**۱۸) تنبیه:** نامطلوب‌ترین روش کاهش رفتار، تنبیه است. تنبیه، ارائه‌ی محرک آزارنده بعد از رفتاری نامطلوب به منظور کاهش آن رفتار است. معلمی بعد از اعلام نمره‌ی کم دانش‌آموز، نارضایتی خود را با اخم کردن نشان می‌دهد تا رفتارهایی را که موجب نمره‌ی کم گرفتن می‌شوند، کاهش دهد. پدری به علت زدن حرف زشت، فرزندش را کتک می‌زند؛ با این تصور که او دیگر حرف زشت نزند.

**۱۹) مقایسه‌ی تقویت مثبت و تقویت منفی:** هم تقویت مثبت و هم تقویت منفی سبب افزایش رفتار می‌شوند؛ با این تفاوت که در تقویت

مثبت، ارائه‌ی تقویت‌کننده‌ی مثبت و در تقویت منفی، حذف تقویت‌کننده‌ی منفی به این نتیجه می‌انجامد.

دانش‌آموزی را به امید قبول شدن و کسب نمره‌های خوب و دانش‌آموز دیگری را با ترساندن از قبول نشدن، به درس خواندن وامی‌داریم. در هر دو حالت، نتیجه افزایش رفتار درس خواندن است. در اولی وجود تقویت‌کننده‌ی مثبت (قبول شدن) و در دومی تلاش برای حذف تقویت‌کننده‌ی منفی (قبول نشدن) به درس خواندن منجر می‌شود.

**۲۰) مقایسه‌ی تقویت منفی و تنبیه:** در تقویت منفی، هدف افزایش رفتار و در تنبیه، هدف کاهش رفتار است. اما در هر دو، تقویت‌کننده‌ی منفی (محرک آزارنده) وجود دارد. در تقویت منفی، تقویت‌کننده‌ی منفی حذف می‌شود تا رفتار افزایش یابد. در تنبیه، تقویت‌کننده‌ی منفی وارد عمل می‌شود تا رفتار کاهش یابد.

معلم دانش‌آموزان را تهدید می‌کند تا زمانی که نقاشی‌شان را تمام نکنند، اجازه‌ی خروج از کلاس را نخواهند داشت. ندادن اجازه‌ی خروج از کلاس، تقویت‌کننده‌ی منفی است و دانش‌آموزان تلاش می‌کنند برای حذف آن کارشان را به موقع انجام دهند. در حالتی دیگر، اگر معلم به دانش‌آموزانی که نقاشی‌شان را تمام نکرده‌اند، اجازه ندهد از کلاس خارج شوند، آن‌ها را تنبیه کرده است. ✓

## تشویق و تنبیه و کارکردهای انگیزش

**۲۱)** مردم کاری را می‌کنند که برای آن برانگیخته شده‌اند. هر معلمی می‌تواند این واقعیت را به آسانی در میان دانش‌آموزانش مشاهده کند. معلم می‌بیند که همه‌ی دانش‌آموزان به همه‌ی درس‌ها علاقه نشان نمی‌دهند. یا حتی همه‌ی موضوع‌های یک درس نیز برای دانش‌آموزان جالب نیستند. در این حالت معلم باید به یک کار انگیزشی روی آورد.

انگیزش یک موضوع شخصی نیز هست. اگر بخشی از توجهات انگیزشی معلمان به دانش‌آموزان معطوف باشد،